

معرفی کتاب

«وزن رازها» اثر آکی شیمازاکی



آکی شیمازاکی نویسنده معاصر ژاپنی – کانادایی است.اگر چه آثار وی به زبان های بسیاری ترجمه شده اند، اما در ایران ناشناخته است و «وزن رازها» نخستین رمان ترجمه شده وی به زبان فارسی است. او مانند بسیاری دیگر از نویسندگان ژاپنی که به سبک مینیمال و ایجاز گرایش دارند، به سادگی و عدم پیچیدگی و لفاظی مشهور است، ولی در عین حال شخصیت های عمیق و پیچیده ای خلق می کند. «وزن رازها» در واقع پنج داستان با پنج نوع طرز تفکر است که در قالبی خلاقانه و مدرن طراحی و روایت شده است و چند جایزه بین المللی را به خود اختصاص داده است.

طرح تصویری ضد جنگ و در عین حال هولناک از بمباران های ناگازاکی، حاکمیت ترس و خشونت تاریخی میان ژاپنی ها و کشورهای همسایه، سنت ها و رسوم پیچیده و کهن جامعه ژاپن، دغدغه های ملی و آینده مبهم کشور در مقابل آینده میراث تمدن گذشته، مضامین اصلی روایت شیمازاکی در این کتاب است. روایت نویسنده از جنبه های تاریک انسان و جوامع بشری، با فرم روایی جذاب و ضرب آهنگی سریع همراه شده است. «وزن رازها» کتابی است درباره آرزوها و حسرت ها، رازها و ضعف های انسانی که در عین سادگی، بار احساسی و معنایی نسبتا عمیقی دارد و حاوی جهان بینی و نگرش نویسنده است. نگرشی که حول رویارویی انسان ها با سرنوشت خود و تضادهای سنت و مدرنیته در بستر مشکلات جنگ می گردد و ما را با شخصیت هایی جذاب به دنبال خود می کشاند. «وزن رازها» اثر آکی شیمازاکی با ترجمه «محمد جواد فیروزی» توسط انتشارات نگاه منتشر شده است.

مجموعه داستان «خواهش می کنم ساکت باش» اثر ریموند کارور



کارور با وجود آن که دیر به شهرت و موفقیت رسید و زود در گذشت، اما پس از مرگ آنچنان تأثیری بر داستان کوتاه قرن بیستم گذاشت که نام او آثارش جاودانه شدند. او داستان کوتاه مدرن را که پس از او ج گرفتن با «همنگوی» دیگر رفق و محبوبیت دهه های قبل را نداشت و رو به زوال و تکرار بود، در دهه ۸۰ میلادی با نوآوری های خود احیا کرد. از مشهورترین آثار وی که پیش از این در ایران به چاپ رسیده اند، می توان به مجموعه داستان «کلیسای جامع» و داستان مشهور «وقتی از عشق حرف می زنیم، از چه حرف می زنیم» اشاره کرد. داستان های ریموند کارور بسیار ساده و موجزند، اکثر آن ها به پیش پا افتاده ترین رایج ترین مسائل زندگی عاطفی و شخصی افرادی می پردازند که خود بسیار ساده و بی تکلف اند؛ مانند اختلافات و دعواهای زناشویی، شکست های شغلی، سوء تفاهم های رایج میان آدم ها در یک جمع، اعتیاد به الکل و غیره. کارور با مهارت فراوان، برشی از یک موضوع یا موقعیت روزمره و ساده را به داستانی جذاب تبدیل می کند. زاویه نگاه وی به مشکلات و آشفتگی های انسان معاصر بعضا بسیار صریح و بی رحمانه است. مجموعه داستان «خواهش می کنم ساکت باش» شامل داستان هایی است از سال های مختلف و بیشتر ابتدایی کار نویسنده، که برخی از آن ها پیشتر نیز ترجمه شده اند؛ مانند «همسایه ها» یا «شما دکترید». همین پرآکندگی ترجمه و چاپ داستان های کوتاه ریموند کارور در ایران توسط نشرها و مترجمان مختلف در دوده گذشته باعث شده که امروز یک مجموعه یک دست، منسجم و کامل از داستان های او (مانند پخوف) در دسترس مخاطبان نباشد. «خواهش می کنم ساکت باش» توسط مصطفی شایان و اکرم شایان ترجمه و توسط نشر کوله پشتی منتشر شده است.

شاید خبر خوب این باشد که با هر حذفی،

جامعه به سمت آن بیشتر

گرایش پیدامی کند و به

کجا چنین شتابان «در

معادلات روزمره جامعه

جای بیشتری برای خود

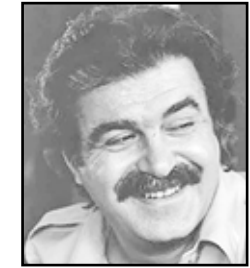
باز می کند و «مسیحای

جوانمرد من!» زمزمه پیر

و جوان در کوچه و خیابان

می شود

این داستان هایی که از کتاب های درسی حذف شده اند، همگی به پیش از انقلاب بازمی گردند که جنبه ای اعتراضی به وضعیت موجود زمان خود داشته اند؛ مثلا شعر «به کجا چنین شتابان» از دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی پیش از انقلاب گفته شده است. این یعنی افرادی که نظرشان بر حذف این شعر بوده است، هیچ شناختی از این شعر و زمان سرودنش نداشته اند. از سوی دیگر، دکتر شفیعی کدکنی در سال های اخیر نگاهی انتقادی به سیستم دانشگاه و شرایط علمی در کشور داشته اند و ممکن است به دلیل همین انتقاده ها، شعر ایشان حذف شده باشد، زیرا آموزش و پرورش حضور منتقدان را بر نمی تابد. اما مسئله به همین جا ختم نمی شود؛ گیریم که نام مهدی اخوان ثالث، غلامحسین ساعدی، صادق هدایت، نیما یوشیج و برخی از شاعران و نویسندگان معاصر باین ها، به دلایل مختلف خوشایند و باب میل کارشناسان و سیاست گذاران آموزش و پرورش نبوده باشد، اما حذف داستان حاج به عنوان عارفی شهره که بخش از کتاب ارزشمند تذکرةالاولیاء عطار است، به کدام دلیل غیر منطقی حذف شده است؟ البته مثال هایی چون حذف حاج فراوان است، اما یا مایه تأنیم در سنین پایین روانه کشورهای غربی می کنند تا در مدارس غربی تحصیل کنند یا از فرستادن فرزندان خود به مدارس خودداری می کنند و با گرفتن معلم خصوصی راه تعلیم و تربیت و سوداآموزی فرزندان خود را در پیش می گیرند. این اتفاق که اکنون به اقلیت مرفه جامعه تعلق دارد، می تواند به زودی و با در پیش چنین سیاست هایی از سوی آموزش و پرورش، به قشر متوسط جامعه گسترش یابد. از سوی دیگر، با افزایش قشر حاشیه نشین و افزایش کودکان کار، نیم دیگر کودکان نیز از امکان تحصیل در مدارس دولتی که دیگر چندان دولتی نیستند، محروم می شوند. چنین اتفاقی یعنی نوعی آشفتگی در تربیت نسل های آینده و افزایش گسست میان طبقات جامعه و البته زبان اجتماعی آن ها.



برای تعلیم و تربیت از دست داده اند و اکنون بسیاری از خانواده هایی که توان مالی بیشتری بر خور دارند، یا فرزندان را در سنین پایین روانه کشورهای غربی می کنند تا در مدارس غربی تحصیل کنند یا از فرستادن فرزندان خود به مدارس خودداری می کنند و با گرفتن معلم خصوصی راه تعلیم و تربیت و سوداآموزی فرزندان خود را در پیش می گیرند. این اتفاق که اکنون به اقلیت مرفه جامعه تعلق دارد، می تواند به زودی و با در پیش چنین سیاست هایی از سوی آموزش و پرورش، به قشر متوسط جامعه گسترش یابد. از سوی دیگر، با افزایش قشر حاشیه نشین و افزایش کودکان کار، نیم دیگر کودکان نیز از امکان تحصیل در مدارس دولتی که دیگر چندان دولتی نیستند، محروم می شوند. چنین اتفاقی یعنی نوعی آشفتگی در تربیت نسل های آینده و افزایش گسست میان طبقات جامعه و البته زبان اجتماعی آن ها.

لازم به ذکر است که تاریخ سروده شدن تمامی این اشعار و نوشته شدن



و با هیچ اندیشه یا منطقی نمی توان به این نتیجه رسید که حذف اشعار بزرگان تاریخ ادبیات ما از کتاب های درسی چه دلیلی می تواند داشته باشد. خود این افراد هم شاید ندانند که چرا باید ادبیات فاخر ایرانی را از قفسر جوان و نو جوان در جامعه ای که آمار کتابخوانی آن فاجعه بار است، دریغ کرد. بدون تردید کسانی که در این رابطه تصمیم گیرنده هستند، یا به طور اتفاقی برای این پست ها انتخاب شده اند یا هیچ شناختی از ادبیات ایران ندارند و اگر هم تخصصی دارند، از افراد دیگر مشورت نمی گیرند. همیشه خودمحوری در سیستم آموزش و پرورش وجود داشته و این یک افت بزرگ در سیستم آموزشی کشور به حساب می آید.

پشت پرده حذف متون درسی

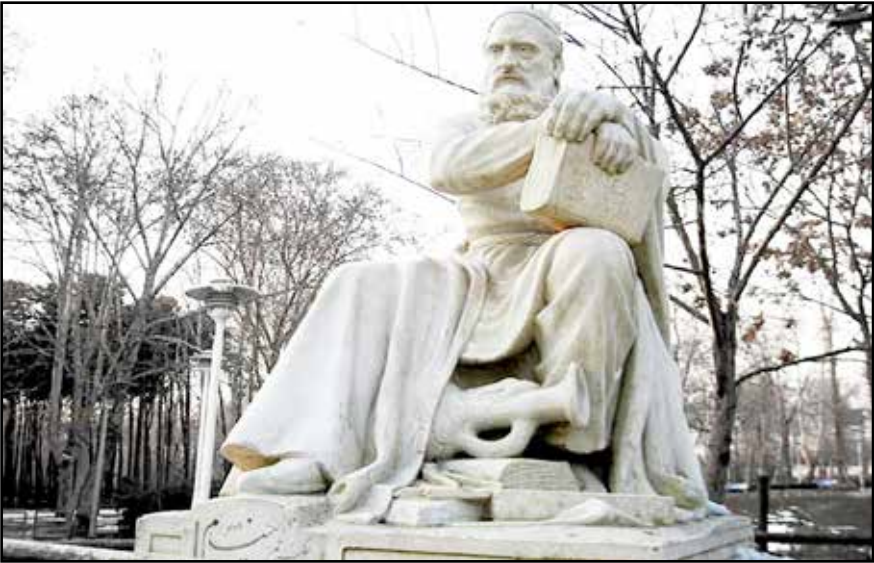
یکی از نکات جالب در لیست حذف اشعار از کتاب های درسی متوسطه و دبیرستان، حذف رباعیات خیام و دبیرستان حلاج از تذکرةالاولیای عطار است؛ یکی از اعضا کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نیز درباره حذف اشعار و داستان های غنی از ادبیات فارسی می گوید: «اگر برخی افراد نظرشان این است که دانش آموزان باید با اشعار جدید یا برخی شعرای امروزی آشنا شوند، ایرادی ندارد، ولی این به آن معنا نباشد که نویسندگان و شعرای فاخر از کتاب درسی ادبیات فارسی حذف شوند. محمد قعی در واکنش به حذف برخی مباحث درسی از جمله رباعیات خیام، داستان حلاج از تذکرةالاولیاء عطار، اشعار مهتاب و داروگاز نیما یوشیج و جایگزینی آن ها با اشعار فاضل نظری و امیری اسفندقه گفته است:

«بعضی از شعر او افراد سرشناس مانند سعدی، حافظ، خیام... در ادبیات مایک پرند ادبی محسوب می شوند و مطرح هستند. اشعار و سروده های این دست از شعرا همیشه نو بوده و همواره حاوی پیام ها و مطالب عمیقی است. به نظر من تا به امروز کسی نتوانسته در زمینه شعر در ادبیات فارسی به سطح اشعار سعدی و حافظ یا فردوسی برسد، حالا این که به چینی می خواهند اشعار و داستان های شعرا و نویسندگان سرشناس ادبیات فارسی را حذف کنند و اشعار دیگری را جایگزین کنند، مشخص نیست، البته برای آشنایی دانش آموزان با شعرای امروزی اشکالی ندارد که یک یا دو مورد از اشعار شاعران جدید در کتاب های درسی باشند، اما لزومی ندارد اشعار قبلی را حذف کنند. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در پایان گفت: اگر می خواهیم دانش آموزان مان شاعران امروزی را بشناسند، اشکالی ندارد، اما نه به قیمت حذف اشعار خیام...»

انتخاب بزرگان تاریخ ادبیات ایران

یک کارشناس آموزشی نیز صحبت های این نماینده مجلس را تأیید می کند و بابیان این که متأسفانه آموزش و پرورش ماکثر به دیدگاه های معلمانی که می خواهند این کتاب ها را تدریس کنند، توجه دارد، می گوید: «از زمانی که حجت الاسلام ذولعالم به عنوان رئیس سازمان پژوهش و تألیف کتاب های درسی انتخاب شده اند، این اتفاقات تشدید شده است، بنابراین ایشان باید پاسخگو باشند.»

بر خود سلیقه ای، جناحی و سیاسی همواره باعث بی اعتباری سیستم آموزشی کشور می شود، در حالی که اگر اقدامات کارشناسی در این رابطه صورت



آثاری که برای جایگزینی در کتاب های درسی انتخاب شده اند، نتوانسته اند وارث خلف و برحق برای کسانی باشند که سنگ بنای ادبیات ایران را از قرن چهارم تا دهه ۴۰ و ۵۰ گذاشته اند

نو» اثر آهنری و داستان «سیاحت نامه ابراهیم بیگ» به صورت کامل حذف شده اند. همچنین سه جمله از داستان «قاضی بُست»، نام صادق هدایت از داستان «کیاب غاز» محمدعلی جمالزاده، بخش هایی از خاطرات کتاب «روزها» از دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، نام محمود دولت آبادی، نام مشفق کاظمی و عباس خلیلی و شعر «مادر» از ایرج میرزا نیز از دیگر حذفیات هستند و به جای این حذفیات از آثار رضا میرخانی، علی سهامی، امیری اسفندقه، معصومه آباد، کیوان شامبداغ خان، فاضل نظری، عیسی چهل و پنجاه گذاشته اند. ضعف محتوایی و نداشتن غنای تعلیمی در ادبیات امروز ایران همچنان به تکرار گرفتار شده است، گسست و شکافی عمیق با ریشه های ادبیات هزار ساله فارسی دارند. آشنایی با آثار معاصر در جهت مقایسه و درک روند و فراز و فرود تاریخ ادبیات می تواند مفید باشد، به شرط آن که گذشته را پاک نکنیم.



انتخابی تک نفره

حذف این اشعار و داستان ها از کتاب های درسی دوره متوسطه و دبیرستان (که روزگاری جز، پربارترین و با کیفیت ترین کتاب های درسی محسوب می شدند) از سال ۸۸ آغاز شد و حالا با حذف حجم بسیار زیادی از اشعار، جامعه به این موضوع واکنش نشان داده است. دروسی مانند غزل «در این سرای بی کسی» اثر هوشنگ ابتهاج، غزل «جوانی» از رهی میری، شعر «به کجا چنین شتابان» از محمدرضا شفیعی کدکنی، شعر «باغ بی برگی» از مهدی اخوان ثالث، یک داستان از غلامحسین ساعدی، یک داستان از بزرگ علوی، داستان «موسی و شبان»، رباعیات خیام، داستان «هدیه سال



خبر را شنیدیم و این خبر نیز همچون خبرهای ناگوار فرهنگی دیگر این روزها در میانه گیرودار اوضاع اقتصادی و گرانی بنزین و جامعه در حال اغماز کوتاه بود و در محاق باقی ماند: «حذف آثار و نام بزرگان زبان و ادبیات هزار ساله ایران از کتاب های درسی دانش آموزان». اما این خبر کوتاه چنان تکان دهنده بود که با شنیدنش، می توان چند نسل آن طرف تر را تصویر کرد که هیچ تصویری از غنای عظیم و جهان گستر ادبیات هزار ساله سرزمینشان ندارند و با زبان عاریتی و وار دانی فضای مجازی تکلم می کنند. نسل و نسل هایی که ناخواسته هیچ گونه پیوندی با گذشته پرافتخار خود ندارند و آن قدر با آن بیگانه اند که نمی توانند به میراثی که به دست آن ها نرسیده است، چیزی بیفزایند. نسلی که شعر حافظ و سعدی را نمی شناسد، تاریخ بی بدیل شاهنامه را در خاطره خود ندارد، از شعر عرفانی و حماسی چیزی نمی داند، نثر کهن و به دنبال آن، ادبیات داستانی اش را خوانده است، تاریخ ادبیات را نیاموخته و با فراز و نشیب های آن ها کوچک ترین آشنایی را ندارد. از الزام ورود شعر نو با خبر نیست و تغییرات زبانی هزار ساله را نمی داند. با شنیدن این خبر، اما یک پرسش کوتاه نیز مطرح می شود که چرا باید چنین حذفی اتفاق بیافتد؟ و پرسش هایی از این دست که چه منطقی پشت انتخاب مطالب درسی دانش آموزان در تمامی مقاطع تحصیلی وجود دارد؟ آیا صلاحیت این کارشناسان از هر لحاظ مورد تأیید علمی و روششناختی قرار می گیرد؟ و آیا محتوای علمی کتاب های درسی دستخوش

سیاست زدگی و جناح بازی های مقطعی است؟ در پشت پرده این حذف و اضافه ها و جایگزین کردن ها، چه می گذرد؟ آیا کارشناسان انتخاب مطالب درسی به این نکته آگاه هستند که حذف هر شعر و هر داستان و هر نامی از بزرگان و سازندگان تاریخ ادبیات، به معنای حذف آثار آنان از حیطه مطالعاتی دانش آموزان است؟ آیا سلیقه شخصی در این انتخاب ها به سیر مطالعاتی در جامعه ای که هم اکنون نیز آمار مطالعه در آن وضع فاجعه باری دارد،

